



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
معاونت بررسی‌های اقتصادی

آیا کاهش اشتغال صنعتی و افزایش اشتغال بخش خدمات نگران‌کننده است؟



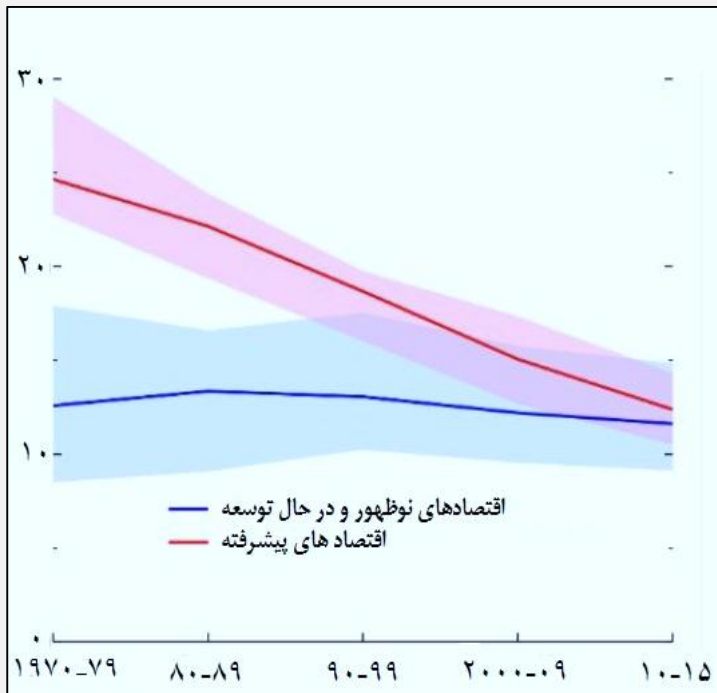
تعداد شاغلان بخش صنعت در برخی از کشورهای جهان در حال کاهش است. در بسیاری از بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، نیروی کار با گذر از بخش تولید صنعتی در حال انتقال مستقیم از بخش کشاورزی به سمت بخش خدمات هستند. در اقتصادهای پیشرفته، افزایش اشتغال بخش خدمات به طور معمول نشان دهنده ناپدید شدن بخش اعظم اشتغال صنعت است. بر اساس [گزارش](#) اخیر صندوق بین‌المللی پول، چنین رویدادی در برخی از اقتصادها به دلایلی لزوماً نگران‌کننده نیست که در این گزارش به تفصیل به آنها اشاره شده است.

معاونت بررسی های اقتصادی

کاهش سهم تعداد شاغلان صنعتی در کل اشتغال نگرانی را برای سیاست‌گذاران در بخش اعظمی از اقتصادهای پیشرفته و برخی اقتصادهای در حال توسعه ایجاد کرده است. این نگرانی از این باور است که بخش صنعت (ساخت) نقش منحصر به فردی به عنوان کاتالیزور رشد بهره‌وری، همگرایی درآمد و همچنین پرداخت دستمزد مناسب به نیروی کار با سطح مهارت کمتر را دارد. صندوق بین‌المللی پول در مطالعه اخیر خود شواهد جدیدی را در رابطه با نقش صنعت ساخت در پویایی ستانده به ازای هر نفر نیروی کار و در سطح و توزیع درآمد نیروی کار ارائه داده است. دو دستاورد مهم این مطالعه شامل ۱) هدایت نیروی کار از بخش صنعت به بخش خدمات، تهدیدی برای رشد بهره‌وری و چشم انداز ارتقاء سطح درآمد اقتصادهای در حال توسعه به سطح اقتصادهای پیشرفته نخواهد بود و ۲) در اقتصادهای پیشرفته، هم‌زمان با انتقال نیروی کار از بخش صنعت به بخش خدمات، نابرابری درآمدی در بین نیروی کار هم افزایش یافته که دلیل اصلی این اتفاق، افزایش تفاوت درآمد اکتسابی در بین همه بخش‌ها، بوده است.

آیا کاهش مشاغل صنعتی نگران کننده است؟ جوامع نگران هستند که بخش تولیدی کوچکتر، رشد اقتصادی پایین و کاهش مشاغل با سطح دستمزد بالا (برای نیروی کار با مهارت کم و متوسط)، که باعث تقویت نابرابری می‌شود، را به دنبال داشته باشد. در فصل سوم گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی ۲۰۱۸، صندوق بین‌المللی پول شواهدی که از این باورها پشتیبانی می‌کنند، را بازبینی کرده و در نهایت به این نکته دست یافته که در صورت اعمال سیاست‌های صحیح، الزاماً کاهش سهم اشتغال صنعتی منجر به کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری نخواهد شد.

نمودار ۱- سهم صنعت (ساخت) از کل اشتغال بر حسب درصد



منبع: صندوق بین‌المللی پول

سهم تعداد شاغلان بخش صنعت از کل اشتغال در اقتصادهای پیشرفته به طور مداوم در حال کاهش است این سهم در اغلب کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور بدلیل انتقال بی‌واسطه نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش خدمات، پایین است.



دلایل رشد بخش خدمات

تغییرات در فعالیت اقتصادی، بخشی از فرایند طبیعی تحول ساختاری است. وقتی افراد ثروتمند می‌شوند، خدمات بیشتری از قبیل خدمات بهداشتی و مالی به مصرف می‌رسانند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیز منجر به صرفه‌جویی قابل توجه نیروی کار، به ویژه در بخش صنعت (ساخت) می‌شود.

یکی از ویژگی‌های تحول ساختاری در اقتصاد کشورها، توسعه بخش خدمات است. سهم بخش خدمات در اشتغال جهانی از دهه ۱۹۷۰ به بعد حدود ۱۶ واحد درصد افزایش یافته که منبع این اتفاق کاهش اشتغال صنعتی در اقتصادهای پیشرفته و انتقال مستقیم نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش خدمات در برخی از اقتصادهای در حال توسعه (از جمله در اقتصاد هند) بوده است.

خدمات بسته به ماهیت فعالیت و ارتباط و اتصال آن به بازار به دو حوزه خدمات غیر بازاری و خدمات بازاری تقسیم می‌شود. خدمات غیربازاری شامل خدمات دولت، تحصیل و سلامت است و سایر فعالیت‌های خدمات از جمله خدمات مالی، مستغلات، خدمات اطلاعات و ارتباطات، خدمات کسب و کار و خدمات حمل و نقل جزو حوزه خدمات بازاری هستند.

حدود یک سوم از افزایش اشتغال در بخش خدمات از دهه ۱۹۷۰ به بعد متعلق به توسعه خدمات غیر بازاری است در حالی که دو سوم مابقی تماماً مربوط به توسعه خدمات بازاری است که سریع‌ترین رشد را در بازه زمانی مورد بررسی داشته است. در اقتصادهای در حال توسعه اشتغال در حوزه خدمات بازاری بویژه در حوزه خدمات عمده و خرده فروشی، هتل‌ها و رستوران‌ها مشارکت مهمی در افزایش اشتغال در بخش خدمات این اقتصادها داشته است.

ورودی بخش خدمات به بخش صنعت در حال افزایش است که به این اتفاق اصطلاحاً خدماتی شدن صنعت اطلاق می‌شود. بر اساس شواهد آماری طی دو دهه گذشته سهم نهاده خدماتی در تولید صنعتی در اغلب کشورهای جهان افزایش داشته است.

در عین حال سهم صنعت ساخت در مصرف نهایی در اکثر کشورها کاهش داشته و نهاده خدماتی مورد استفاده در بخش صنعت ساخت هم جزء کوچکی از ارزش افزوده کل بخش خدمات را تشکیل می‌دهد که به معنی عدم مشارکت معنادار خدماتی شدن صنعت در رشد خدمات و به تبع آن در رشد سهم این بخش در اقتصادها طی دو دهه اخیر است.

تغییر محتوی خدمات در تولید بخش صنعت، چالش‌هایی را در زمینه اندازه‌گیری میزان تحول و تغییر ساختاری به همراه داشته است. داده‌های موجود صرفاً قادر به اندازه‌گیری تغییرات در وزن فعالیت‌های مختلف در اقتصادهاست. افزایش تقسیم فعالیت‌های مربوط به تولید صنعتی علامتی بر افزایش انجام برخی از این فعالیت‌ها در بیرون از یک بنگاه صنعتی و برون‌سپاری آنها است که فعالیت‌های گوناگونی مانند بازاریابی، خدمات حقوقی و حمل و نقل را در بر می‌گیرد. طبقه بندی مجدد این فعالیت‌ها در آمارهای رسمی به عنوان یک فعالیت خدماتی، موجب گسترش تحول ساختاری می‌شود. در عین حال بنگاه‌های تولیدی در بخش صنعت به طور روزافزون در حال تولید و فروش خدمات اضافی به همراه محصولات تولیدی خود به مشتریان هستند که مصادیق روشنی از ماهیت واقعی تحولات ساختاری مزبور است.

معاونت بررسی های اقتصادی

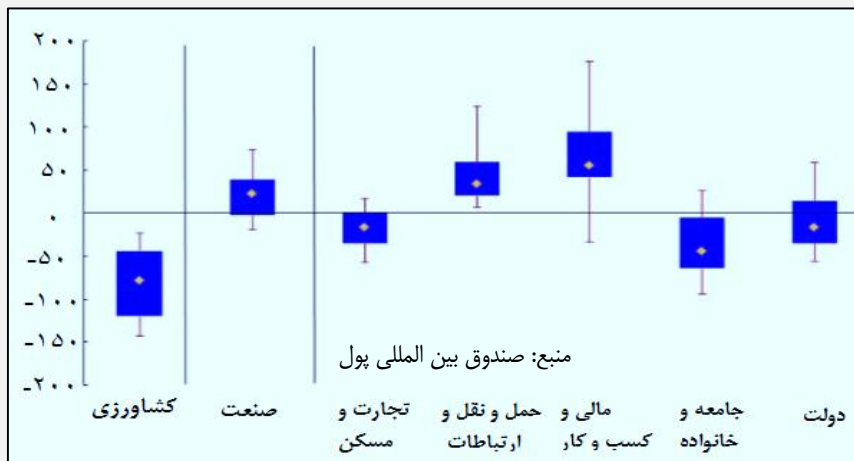
در هر صورت داده‌های آماری موجود قادر به کمی سازی شدت نسبی تاثیر جریانات ناهم‌سوی مزبور نیست و بنظر می‌رسد برخی اظهار نظرها در مورد اثر خالص تحولات ساختاری بر میزان اشتغال بخش‌ها و سهم آنها در تولید، مبهم و دو پهلوست.

تغییر در فعالیت اقتصادی و بهره‌وری

مطالعه اخیر صندوق بین‌المللی پول شواهد جدیدی را در این خصوص که چگونه گسترش بیشتر مشاغل خدمات به جای مشاغل صنعتی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه ممکن است بر توانایی آنها برای ارتقاء سطح درآمد اقتصادی فعلی به سطح کشورهای پیشرفته تاثیر مثبت داشته باشد، ارائه می‌دهد. بررسی داده‌های مربوط به تعداد زیادی از کشورها در طول پنج دهه گذشته نشان می‌دهد برخی از بخش‌های خدمات به لحاظ سطوح، نرخ‌های رشد و همگرایی بهره‌وری (تولید به ازای هر نفر نیروی کار)، بسیار مشابه با بخش صنعت (ساخت) هستند.

برخی از فعالیت‌های خدمات بازاری از قبیل - خدمات حمل و نقل، ارتباطات راه دور و خدمات مالی و تجاری - سطوح و نرخ رشد تولید به ازای هر نفر نیروی کار بالاتری نسبت به صنعت دارند. علاوه بر این، همانند بخش صنعت، بهره‌وری نیروی کار در فعالیت‌های مختلف خدمات، تمایل دارد به سمت میانگین جهانی نزدیک شود؛ به عبارت دیگر، بهره‌وری نیروی کار در حالی که در برخی از فعالیت‌های خدماتی نسبتاً کم است ولی سریع‌تر رشد می‌کند و این موضوع به کشورهای با سطوح بهره‌وری پایین‌تر اجازه می‌دهد، سطح بهره‌وری خود را تا سطوح بهره‌وری اقتصادهای پیشرفته، ارتقاء دهند.

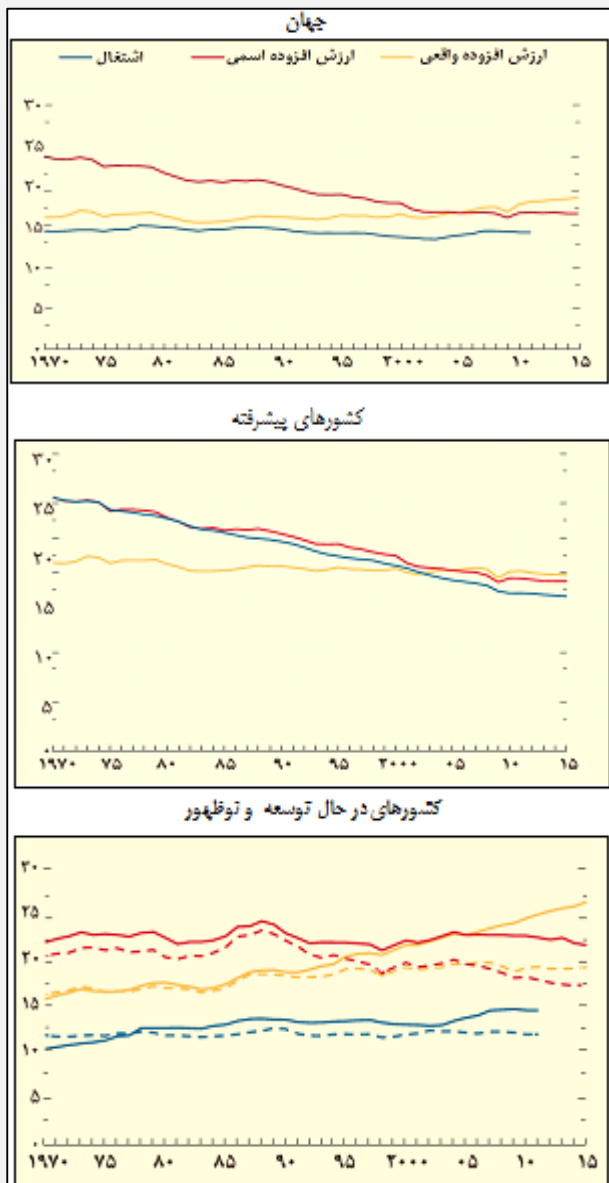
نمودار ۲- تفکیک بخشی بهره‌وری نیروی کار در سال ۲۰۰۵، تفاوت با بهره‌وری کل اقتصاد بر حسب واحد درصد



تولید به ازای هر نفر نیروی کار یا بهره‌وری نیروی کار در تعدادی از فعالیت‌های خدمات بازاری بیشتر از بهره‌وری بخش صنعت (ساخت) است.

از آنجایی که فعالیت‌های خدماتی با بهره‌وری بالا - مانند ارتباطات، امور مالی و فعالیت‌های تجاری، کارگران را سریعتر از سایر بخش‌ها جذب کرده است؛ انتقال مستقیم اشتغال از کشاورزی به بخش خدمات از دهه ۲۰۰۰ به بعد در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور به ویژه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، رشد بهره‌وری نیروی کار را به همراه داشته است.

نمودار ۳- سهم صنعت ساخت از اشتغال و GDP کل بر حسب درصد



بررسی روند تغییر سهم صنعت ساخت از اشتغال نشان می دهد که از دهه ۱۹۷۰ به بعد روند اشتغال در اقتصادهای پیشرفته، کاهنده و در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور فزاینده بوده به نحوی که برآیند سهم اشتغال صنعتی در اقتصاد جهان، تقریباً روند با ثباتی داشته است.

با توجه به تحولات مرتبط با کاهش بهای کالاهای صنعتی در اقتصادهای پیشرفته که عمدتاً بدلیل وجود محیط رقابتی و پیشرفت تکنولوژی، حاصل شده، اگرچه در این اقتصادها، روند سهم صنعت ساخت از تولید ناخالص داخلی اسمی کاهشی بوده ولی سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی واقعی، تغییر چندانی نداشته است.

در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور هم با وجود ثبات نسبی سهم صنعت در اقتصاد اسمی، به علت رشد بالای میزان تولیدات صنعتی، سهم ارزش افزوده واقعی صنعت ساخت در اقتصاد روندی افزایشی دارد.

در مجموع روند عمومی سهم صنعت ساخت از تولید ناخالص داخلی اسمی جهان، نزولی و از تولید ناخالص داخلی واقعی جهان، با شیبی ملایم در حال افزایش است.

منبع نمودار: صندوق بین المللی پول

نمودار خط چین در نمودار کشورهای در حال توسعه و نوظهور، سهم صنعت را بدون در نظر گرفتن کشور چین نشان می دهد که فاصله بین نمودار توپر و خط چین، حاکی از تاثیر بالای صنعت چین در اشتغال و تولید ناخالص داخلی اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور است.

بنابر گزارش صندوق بین المللی پول، این یافته ها نباید منجر به آسودگی خیال سیاست گذاران شود. برای دستیابی به منافع حاصل از انتقال نیروی کار به بخش خدمات، می باید موانع تجارت بین الملل در بخش خدمات که بسیار بالاتر از بخش تولید کالا است، کاهش یابد؛ زیرا گسترش فعالیت های خدمات با بهره وری بالا صرفاً متکی به رشد تقاضای داخلی نبوده و نیاز به افزایش مبادلات در سطح بین المللی دارد.

در حین تدوین سیاست ها هم می باید اطمینان حاصل شود که مهارت های کارکنان با آنچه در زیربخش های تجاری خدمات از جمله خدمات مالی و تجاری مورد نیاز است، هماهنگی دارد. در بسیاری از بازارهای نوظهور و کشورهای در

معاونت بررسی های اقتصادی

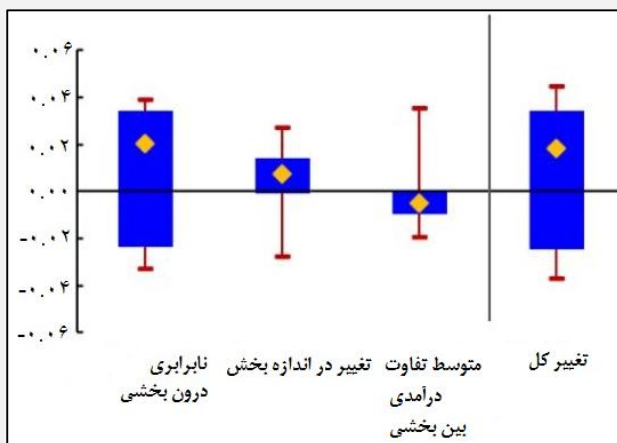
حال توسعه که تقریباً در این بازارها، بهره وری در همه بخش‌ها ضعیف است، برای دستیابی به رشد سرمایه انسانی و زیرساخت‌های فیزیکی و همچنین بهبود شرایط تجاری و سرمایه‌گذاری، اعمال رویکرد جامعی برای گشایش رشد بهره وری، ضرورت دارد.

تغییرات در فعالیت اقتصادی و نابرابری درآمدی

یکی دیگر از نگرانی‌های رایج، در مورد ناپدید شدن مشاغل صنعتی با کیفیت بالا در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته است که معمولاً بخش خدمات هم فاقد این گونه مشاغل است. زمانی که کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند، بسیاری از کارگران با سطح مهارت متوسط مجبور می‌شوند جذب مشاغل کم درآمد در بخش خدمات شوند که موجب ایجاد تلاطم و اختلال در نظام توزیع درآمد و به تبع آن افزایش نابرابری می‌گردد.

عوامل تاثیر گذار بر تفاوت سطح درآمدی نیروی کار به سه عامل اصلی؛ تغییر اندازه یا سهم بخش در کل اشتغال، وجود نابرابری درآمدی درون هر بخش و تفاوت بین درآمد نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی، طبقه‌بندی می‌شوند. اگرچه بررسی داده‌های مربوط به ۲۰ اقتصاد پیشرفته نشان می‌دهد که میزان نابرابری درآمد نیروی کار در بخش صنعت (۷۰ درصد آن مربوط به صنعت ساخت است) در مقایسه با بخش خدمات کمتر است، اما بررسی ویژگی‌های ساختاری اقتصاد هر کشور و نابرابری‌های با ماهیت درون بخشی برای تفسیر و توضیح نابرابری‌های کلان بسیار مهم‌تر از مقایسه صرف بررسی تغییر در اندازه یک بخش در اقتصاد است. برای مثال، نابرابری درآمدی در دانمارک هم در بخش صنعت و هم در بخش خدمات حدود یک سوم ایالات متحده امریکا است و بزرگترین عامل محرک تغییرات در نابرابری‌های کل در اقتصادهای پیشرفته از دهه ۱۹۸۰، افزایش تفاوت‌های درآمدی در تمام بخش‌ها بوده است، نه صرف مشاغل صنعتی.

نمودار ۴- سهم در تغییر نابرابری درآمدی نیروی کار بین دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۲۰۰۰



تغییرات در نابرابری کل عمدتاً به دلیل افزایش در نابرابری درون بخشی رخ می‌دهد تا تغییرات در اندازه بخش (در نتیجه تخصیص مجدد نیروی کار)

منبع: صندوق بین المللی پول



معاونت بررسی های اقتصادی

با این حال، پیامدهای منفی ناپدید شدن اشتغال صنعتی می تواند برای نیروی کار و جوامع آن‌ها، مخصوصاً در مناطقی که مراکز صنعتی توسعه یافته هستند، قابل ملاحظه باشد. برای اطمینان از دستاوردهای جامع تغییر ساختاری، می باید سیاست‌هایی طراحی شوند که ساماندهی و مهارت یابی مجدد کارگران جانشین را تسهیل کرده و هزینه‌های تخصیص مجدد نیروی کار را کاهش دهد.

در عین حال سیاست‌گذاران باید توجه داشته باشند که ممکن است این تخصیص مجدد برای بعضی از کارگران (مانند کسانی که نزدیک به سن بازنشستگی هستند) بسیار پرهزینه یا حتی غیرقابل پیش بینی باشد که برای رفع این مسئله لازم است شبکه های تامین بیمه‌های اجتماعی از طریق هدفمند کردن سیاست های توزیع مجدد، تقویت شوند.

در مجموع، چنانچه سیاست‌های صحیحی طراحی و اعمال شوند، کاهش تولید در بخش صنعت که بخش مهم خلق اشتغال محسوب می‌شود، لزوماً به رشد اقتصادی آسیب نرسانده و یا لزوماً باعث افزایش نابرابری نخواهد شد.

تهیه کننده: راحله قریشی

اردیبهشت ۱۳۹۷